

اعتصاب دوروزه هند

در ادامه‌ی بزرگ‌ترین اعتصاب تاریخ و مروری بر آن



حدود ۵۰ میلیون نفر به اعتصاب ملی دو روزه هفته‌ی گذشته در هند پیوستند، اعتصابی علیه سیاست‌های نئولیبرال و ضد کارگری دولت. کارگران بانک‌ها، کارخانه‌ها و حمل‌ونقل عمومی ارائه‌ی خدمات را در شش ایالت بزرگ مختل کردند. در این متن ابتدا به اعتراضات اخیر می‌پردازیم. و سپس برای فهم بستر مبارزاتی هند، به اعتصابات سال گذشته و زمینه‌ی آن نگاهی می‌اندازیم. ضروری است که در متونی دیگر به اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در هند و تاریخ مقاومت کارگران در برابر آن بیشتر پردازیم و بیاموزیم.

مطالبات (اعتصاب دو روزه مارس ۲۰۲۲)

اعتراضات و اعتصاب‌ها بر علیه سیاست‌های نئولیبرالی دولت راست‌گرای نارندرا مودی (نخست وزیر هند) دومین و آخرین روز خود را نیز طی کرد. معترضان این سیاست‌ها را به طور کلی ضد کارگری و ضد کشاورزان خواندند. توقف خصوصی‌سازی منابع و دارایی‌های ملی و خدمات دولتی در بخش‌های تولیدی و مالی از جمله بانک‌ها (دو نمونه‌ی بزرگ آن شرکت هواپیمایی

ایر ایندیا و شرکت بزرگ نفتی BPCL است)، لغو اصلاحات ضد کارگری در قانون کار، گسترش بیمه و تأمین اجتماعی همگانی حتی در بخش‌های غیر متشکل، افزایش حداقل دستمزد در یک برنامه‌ی تضمین اشتغال و توقف موقتی‌سازی نیروی کار از جمله ۱۲ مطالبه‌ی اصلی زحمتکشان در هندوستان است. کارگران می‌گویند که در بودجه‌ی سال گذشته حتی به آنان اشاره‌ای هم نشده است.

این اعتصاب سراسری تنها چند ماه پس از پایان یک سال اعتراض و تظاهرات سراسری کشاورزان انجام می‌شود. اعتراضاتی که در نتیجه‌ی آنها دولت مجبور به لغو مجموعه‌ای از قوانین موسوم به قوانین مزرعه شد. کشاورزان معترض می‌گفتند که در مورد قوانین با آنها مشورت نشده است و بر این باور بودند که این قوانین معیشت آنها را بیش از پیش تهدید کند. دکتر دوندیرام کاراد، معاون ملی مرکز اتحادیه‌های کارگری هند، گفته است: «نارضایتی شدیدی علیه دولت مودی وجود دارد. با قیمت بسیار بالای غذا، گاز و سوخت، زندگی برای یک خانواده معمولی سخت است، اما این دولت طبقات فرودست جامعه و کارگران را به کلی نادیده می‌گیرد». اتحادیه‌های کارگری هند در هفته دوم اعتصابات علیه سرمایه‌داری می‌گویند علیرغم شرکت اقلیتی از کارگران، آنها اعتصاب را موفق ارزیابی می‌کنند.

سازمان دهندگان

این اعتصاب به فراخوان اتحادیه‌های کارگری عمده‌ی این کشور و به ویژه تشکل‌های نزدیک به احزاب کمونیست شکل گرفته است. مرکز اتحادیه‌های کارگری هند (CITU) که وابسته به حزب کمونیست (مارکسیست) (CPIM) هند است، از جمله سازمان‌دهندگان کلیدی این اعتصاب است. این مرکز که در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد یکی از بزرگ‌ترین انجمن‌های کارگران در هند است. در سال ۲۰۱۵، یعنی ۴۵ سال پس از شک‌گیری، حدود شش میلیون نفر عضو این مرکز بودند. همچنین از اعضای فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU) است.

شیوه

نه تنها کارگران بخش تولید کشور کار خود را متوقف کردند، بلکه همه‌ی بانک‌ها، سایر مؤسسات مالی، ادارات دولتی و بخش عمومی، حمل و نقل، ساختمان، بنادر و اسکله‌ها، کارکنان طرح‌های دولتی، مؤسسات آموزشی و غیره بسته مانده‌اند. ۵۰ میلیون نفر در این هفته به اعتصاب می‌دو روزه‌ی هند پیوستند که البته کسری از تعداد معترضان در کل ایالت‌های هندوستان محسوب می‌شوند.

کارگران شرکت‌های خدماتی، کارمندان بانک‌ها، کارگران کارخانجات و حوزه‌ی حمل‌ونقل عمومی تنها در شش ایالت در روزهای دوشنبه و سه شنبه فعالیت‌های عادی اقتصادی را با اعتصاب خود مختل کردند، اما اعتصاب نتوانست در تمامی ایالات هند تسری یابد.

سرمقاله تایمز هندوستان می‌نویسد که تاکنون اعتصابات ملی هند علیه شکاف طبقاتی و فقر گسترده این کشور به علت «شرایطی که کارگران غیرسازمان یافته آسیب‌پذیر نمی‌توانند از عهده آن برآیند» دچار چالش بوده است؛ زیرا اعتصاب و اعتراضات به دلیل نداشتن حمایت جدی احزاب سیاسی مخالف ناقص و بی‌اثر شده بودند. اتحادیه‌ها فرصت بزرگی را در جذب اتحاد خود با کشاورزان و روستاییان معترض از دست داده‌اند. دقیقاً در شرایطی که اتحادیه‌های صنعتی باید دست به دست هم می‌دادند، دولت وارد کارزار شد تا مانع آن شود.

اعتصاب تأثیر کمی در پایتخت هند، دهلی نو، و مرکز مالی بمبئی داشت، اما زندگی روزمره در جاهای دیگر، از جمله جنوب کرالا، جایی که دولت ایالتی به رهبری حزب کمونیست مخالف دولت هند از اعتراضات حمایت کرد، تحت تأثیر قرار گرفت. در برخی ایالت‌ها، تظاهرکنندگان بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن را مسدود کردند که انی کار حمل‌ونقل عمومی را مختل کرد. کنگره اتحادیه‌های کارگری هند، یکی از بزرگترین اتحادیه‌های کارگری کشور، گفت که انتظار دارد در آینده بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر رسمی و غیررسمی به اعتصاب بپیوندند. تعدادی از بانک‌های بخش دولتی، از جمله بزرگترین وام‌دهنده‌ی هند، یعنی بانک دولتی هند، گفتند که خدمات بانکی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد زیرا انتظار می‌رود بسیاری از کارمندان به اعتصاب بپیوندند.

به گفته‌ی برخی فعالان کارگری هندوستان و رهبران اتحادیه‌ای، علت استانی شدن اعتراضات، فشار دولت مرکزی و ایالت‌ها به کارگران برای دوری از هرگونه اعتراض و مطالبه‌ی صنفی علیه فشار اقتصادی و فاصله طبقاتی است. مثلاً در برخی ایالت‌ها مانند ایالت‌های کرالا و بنگال غربی کارمندان دولت و کارگران خدمات وابسته به دولت را با تهدید از پیوستن به اعتصاب منع کردند و تنها در یک مورد، ماهاراشترا قانون اضطراری را برای ممنوعیت اعتصاب ۸۰ هزار کارگر شرکت‌های برق خود به کار گرفت. دولت هند به کارمندان هشدار داده، شرکت در اعتصابها به هر شکلی منجر به کاهش حقوق‌های آنها و "برخورد انضباطی متناسب" می‌شود.

اوضاع و احوال

کارگران هند با مشکلات اقتصادی گسترده به دلیل از دست دادن شغل، کاهش شدید درآمد، قیمت‌های بالای مواد غذایی ضروری و سوخت، و همچنین بیکاری مزمن مواجه هستند که تمامی اینها با همه‌گیری کرونا تشدید شده است. در ماه ژانویه، مرکز نظارت بر اقتصاد هند گزارش داد که ۵۳ میلیون هندی بیکار به آمار بیکاری این کشور در سال‌های اخیر اضافه شدند؛ این درحالی است کسانی که به اندازه کافی خوش شانس بودند که شغل داشتند، ممکن بود برای اعتصاب بیش از حد نگران

باشند. بسیاری از مشاغل از بین رفته و نرخ بیکاری در دسامبر به ۸ تا ۱۰ درصد افزایش یافته است. در حال حاضر آسیب پذیرترین افراد در هند کارگران روزمزد، کارگران پیمانکاری و کارگران مهاجری هستند که از زمان تعطیلی های سراسری کشور در ۲۵ مارس بدون کار و درآمد مانده اند. بخش غیررسمی کارگران روزمزد، کارگران پیمانکاری و کارگران مهاجر تقریباً ۸۱ درصد از جمعیت شاغل کشور هند را تشکیل می دهد.

تاریخچه و زمینه

ماه نوامبر سال گذشته طی پیروزی بزرگ کشاورزان معترض در هند، دولت این کشور پس از یک سال اعتراضات سازمان یافته ی زحمت کشان، وادار شد سه مصوبه ی نتولیبرالی را لغو کند، هرچند بسیاری دیگر از مطالبات معترضان هنوز پاسخی نگرفته است. هم به دلیل اشتراک مطالبات این دو اعتراض (علیه سیاست های نتولیبرالی) و هم به دلیل مشترک بودند بخش عمده ای از سازمان دهندگان هر دو اعتصاب، بر اعتراضات سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ دقیق تر می شویم. برای درک واقعی شرایط مبارزاتی در هند، این امری است ضروری.

سال ۲۰۲۰ عظیم ترین اعتراض کارگری (و البته کل اعتراضات) در تاریخ بشر در هند رقم خورد. از ماه آگوست حدود ۲۰۰ میلیون نفر در تظاهراتی بر علیه قوانین جدید دولت شرکت کردند، این قوانین تأثیری مخرب بر وضعیت کشاورزان می گذارند. کارگران کشاورزی در هند بیش از نیمی از کل نیروی کار آن کشور را شکل می دهند. و به همین دلیل همواره در تحولات آن نقشی پر رنگ داشته اند. برای فهم آن چه در هند رخ داد، باید به گذشته بازگردیم.

۱۹۴۳-۴۴. قحطی بنگال

قحطی معمولاً به دو دلیل رخ می دهد. نخست به دلیل کمبود عرضه ی مواد غذایی و گاهی نیز به سبب تخصیص نامناسب مواد غذایی موجود و ناکامی سیاست های حاکم برای مهار این وضعیت است. آنچه مسبب قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳ بود، از جنس دومی است.

البته بنگال پیش تر، یعنی در سال های ۱۷۷۰، بعد در سال ۱۷۸۳ و بار دیگر در سال ۱۸۹۷ تجربه ی قحطی داشت. اما آخری برمی گردد به سال ۱۹۴۳ که غالباً حکمرانی بریتانیا بر هند را مسئول آن می دانند. این قحطی مرگ حدود چهار میلیون نفر در هند شرقی (بنگلادش امروزی) را به همراه داشت. واکنش چرچیل، نخست وزیر بریتانیا در آن زمان، در این باره نشان دهنده ی وقاحت دولت بریتانیایی در مقابل هندی ها و فلاکت آنان است:

«من از هندی ها متنفرم. آنها مردمی وحشی با مذهبی درنده خو هستند. قحطی تقصیر خود آنان است چون که مثل خرگوش ها زاد و ولد می کنند.»

معمولاً دلایل قحطی مربوط می‌شود به کمبود عرضه. این کمبود دلایل مختلفی دارد، مثلاً تغییرات ناگهانی هنگام برداشت محصول، یا مشکلاتی که در زمان جنگ‌ها رخ می‌دهند. اما دلایل قحطی بنگال کمی پیچیده‌تر از اینها بوده است. دلیل نخست، کمبود برنج بود. این کمبود بیش از آن که به میزان عرضه‌ی محصول برگردد مربوط بود به تخصیص نامناسب محصول موجود. عوامل مختلفی در این امر نقش داشتند: مشکل برداشت محصول در پاییز سال ۱۹۴۲؛ اشغال برمه توسط ژاپن در سال ۱۹۴۲ سبب شد که محدودیت‌هایی در واردات برنج از برمه شکل بگیرد؛ محدودیت‌هایی بر تجارت بین ایالتی برنج و باقی غلات؛ احتکار ذخیره‌ی برنج توسط تاجران و کشاورزان در پی سوداگری و فروش برنج زمانی که به سبب کمبود قیمت آن بالا رفت؛ کاهلی حکومت بریتانیایی در وارد کردن برنج از خارج برای مهار مشکل. به بیان آمارتیا سن، اقتصاددان هندی، عمده‌ی مشکل مربوط بود به تشنج‌های مربوط به جنگ جهانی دوم که در نتیجه‌های آن تأمین غذا برای توده‌ی مردم هند از اولویت‌های حاکمان بریتانیایی نبود.

عمده‌ی بار و سختی قحطی نصیب کارگران کشاورزی شد که زمینی نداشتند. دولت بریتانیایی سیاستی اجرا کرد که برنج به قیمتی ثابت برای حدود یک میلیون کارگر کارخانه‌هایی که برای آنها اهمیت حیاتی داشت تأمین شود و بر جنگ تأثیر نگذارد. در واقع کمبودی که در ۱۹۴۳ به وجود آمد، مشابه سال ۱۹۴۱ بود که اساساً منجر به قحطی نشد. اما سیاست‌های حاکمان هندی و پارلمان بریتانیا اوضاع را نابسامان کرد.

به سبب این شرایط بسیاری مجبور شدند که زمین‌هایشان را بفروشند، و کشور برای دهه‌ها متکی شد به کمک‌های غذایی از خارج.

۶۷-۱۹۴۷. گسترش زمین‌های کشاورزی

سال ۱۹۴۷، پس از چندین دهه مبارزه جنبش استقلال هند، بریتانیا از هند بیرون رفت و این کشور استقلال سیاسی خود را کسب کرد. اوضاع مواد غذایی پایدار شده بود. دولت هند قدم‌هایی در جهت جلوگیری از یک قحطی بزرگ دیگر برداشت. یکی از این اقدامات، گسترش کمیت زمین‌هایی شد که قابل کشت بودند. در برخی موارد برای پاکسازی و مهیا کردن نواحی کمک مالی از سوی دولت ارائه شد تا کشاورزان بتوانند راحت‌تر محصول پرورش دهند.

اما خاطره‌ی قحطی بنگال همچنان باقی بود و به همین دلیل بود که امنیت تأمین غذا یکی از اولویت‌های برنامه‌ی آزادسازی هند شد. همین اولویت بود که از یک سو منجر به انقلاب سبز شد و از سوی دیگر به وضع قوانینی منتهی شد که دیگر کاسب‌کاران قادر به احتکار مواد غذایی جهت کسب سود نباشند.

اما تا سال ۱۹۶۷، یعنی آغاز انقلاب سبز، هند هنوز به واقع خود را در مقابل قحطی ایمن نکرده بود. جمعیت با نرخی بسیار بیشتر از تولیدات کشاورزی رشد می‌کرد و گسترش زمین‌ها برای تهیه‌ی مایحتاج این جمعیت کافی نبود. به این ترتیب باید اقداماتی برای فزونی محصول صورت می‌گرفت. این اصلاحات سبب شد که هند از کشوری با کسری غذا به یکی از کشورهای پیشگام در کشاورزی. جالب است که در کشورهای دیگری نیز می‌توان نمونه‌ی این اصلاحات از بالا به ویژه درباره‌ی مسائل مربوط به مالکیت زمین و کشاورزی را مشاهده کرد. عموماً این نمونه‌ها مربوطند به دوران تثبیت سرمایه‌داری در این کشورها. آنچه در ایران رخ داد توسط محمد رضا پهلوی انجام شد، در سال ۱۳۴۱، با نام انقلاب سفید.

انقلاب سبز هند سه جزء اصلی داشت: (۱) تداوم گسترش زمین‌های کشاورزی؛ (۲) راه‌اندازی شیوه‌ی کشت دوگانه در همان زمین‌های موجود، یعنی در هر سال دو فصل کاشت محصول داریم که این نیازمند پروژه‌های آبرسانی عظیم است که دولت آنها را تأمین مالی کند؛ و (۳) پرورش گونه‌های پربازده دانه‌ها.

در واقع مسأله‌ی رشد جمعیت و کمبود مواد غذایی پریشی است که بسیاری با آن مواجهند و تاکنون چنین گمان می‌شد که هند با انقلاب سبز به آن پاسخ داده است. یعنی با مجموعه اصلاحاتی که از سوی چندین کشور که مهم‌ترین آنها ایالات متحده بود به دولت هند توصیه شد. جدا از تغییرات دیگر، به عنوان بخشی از برنامه‌ی ملی این اصلاحات، کشاورزان پنجاب (شمال هند) در دهه‌ی های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شیوه‌های پیشین کشاورزی را کنار گذاشتند. آنها به کاشت محصولات به شیوه‌های امریکایی پرداختند، یعنی با مواد شیمیایی، دانه‌های پربازده و آبیاری.

اخیراً شنیدن صدای دکل‌های حفاری از میان مزارع گندم منطقه‌ی پنجاب امری رایج شده است. دلیل آن هم کمبود آب برای کشت است. زمانی که اصلاحات موسوم به انقلاب سبز اعمال می‌شد، کشاورزان مجبور شدند که تنها گندم، برنج و کتان پربازده بکارند، به جای محصولات سنتی و مختلط خودشان. این دانه‌های جدید و مهجزه‌آسا چنان حجم بیشتری از محصول به بار می‌آوردند که کشاورزان تا به آن زمان ندیده بودند. اما این محصولات همواره تشنه بودند و بسیار بیش از آنچه بارش‌های طبیعی نصیب‌شان می‌کرد آب نیاز داشتند. به این ترتیب کشاورزان چاه‌هایی حفر کردند و با استفاده از آب‌های زیرزمینی محصولات را آبیاری کردند. اما این چاه‌ها هر روز عمیق‌تر شده است تا این که امروز به حدود ۲۰۰ فوت رسیده است و سفره‌های آب زیرزمینی تهی شده‌اند.

مسأله‌ی آب زیرزمینی زنجیره مشکلاتی را با خود به همراه آورده است. هر قدر که چاه‌ها عمیق‌تر می‌شوند کشاورزان نیز باید تجهیزات قدرتمندتر و پمپ‌های گران‌تری (شاید تا چهار هزار دلار قیمت یک پمپ باشد) برای رساندن آب به زمین‌هایشان

تهیه کنند. بنابر این آنها علاوه بر بدهی های کنونی شان، مجبور به گرفتن وام های بیشتر از بانک ها می شوند. بانک ها برخی از آنها را رد می کنند و در نهایت آنها به قرض دهندگان غیر رسمی روی می آورند. کسانی که دست کم دو برابر نرخ بانک ها از آنان پس می گیرند.

آبیاری با آب های زیر زمینی معضلات دیگری نیز به همراه دارد. مثلاً جمع شدن نمک بر سطح خاک که این سبب تضعیف ریشه ها می شود و ریشه دیگر نمی تواند به خوبی مواد معدنی خاک را جذب کند. همچنین شیوهی نوین کشت دانه های پربازده موجب از بین رفتن مواد معدنی موجود در خاک شده است؛ از قبیل نیتروژن، فسفر، آهن و منگنز. بنابراین کشاورزان باید برای به دست آمدن محصولی به اندازهی گذشته، دست کم سه برابر کوددهی کنند. و همین آنها را باز هم به گرفتن وام های بیشتر سوق می دهد. مواردی از این دست بسیارند که در نهایت کشاورزان را در زنجیره ی بی پایان وام ها دفن می کند. به این ترتیب، انقلاب سبز به هیچ روی مجموعه اصلاحاتی نبود که هم بازده کشاورزی را بیشتر کند، و هم زندگی بهتری برای خانوارهای کشاورز فراهم کند و هم از ظرفیت های زمین محافظت کند.

۱۹۹۱. دوران طلایی کمیته ی تولید کشاورزی بازار

با رشد و شکوفایی صنعت کشاورزی، هند این کمیته را تأسیس کرد (APMC) که هدف آن محافظت از کشاورزان در مقابل بهره کشی مضاعف بود. همچنین تضمین این که قیمت ها «به سطوح بیش از حد معقول» نرسند و پرداخت ها به کشاورزان برای محصولاتشان به موقع انجام شود. در ازای این کمک، کشاورزان تنها مجاز بودند که محصولاتشان را در فروشگاه ها و بازارهای معین و در مزایده هایی مشخص بفروشند. نقطه ی اوج این بازارها در سال ۱۹۹۱ بود.

۲۰۰۶. کشاورزان با APMC به مشکل برخوردند

کشاورزان بر این باورند که تسهیلات بازار همگام با مقادیر فزاینده ی محصولات آنها پیش نرفته است. وقتی آنها نمی توانستند محصولات خود را در بازارها و مزایده های معین بفروشند، به دلالت غیر قانونی روی آوردند و در قریب به اتفاق موارد دیدند که از آنها بهره کشی شده است.

۲۰۱۴. نارندرا مودی نخست وزیر شد

نخست وزیر کنونی هند، نارندرا مودی، عضو حزب راست گرای باراتیا جاناتا، یکی از دو حزب بزرگ سیاسی هند است. او در کمپین های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ غالباً از نیت خود برای مدرن سازی و صنعتی سازی هند در تمامی بخش ها، از جمله کشاورزی حرف می زد. او از زمانی که عهده دار این مقام شده است وعده های بسیاری به کشاورزان و کارگران کشاورزی داده است، مثلاً

این که دستمزدهای آنان را تا سال ۲۰۲۲ دو برابر خواهد کرد. اما مهم‌ترین گرایش وی، تداوم اجرا و تشدید سیاست‌های نئولیبرالی است.

۲۰۲۰. کارگران کشاورزی نیمی از نیروی کار هند را تشکیل می‌دهند

هند، با اختلاف زیادی بیش از تمامی اقتصادهای بزرگ دیگر همچنان سنت‌های کشت‌وکار انبوه خود را نگه داشته است. این شاخه در کنار بخش‌های پیشرفته و با فناوری بالای آن کشور، گسترش یافته است و بزرگ‌ترین منبع گذران زندگی بخش بزرگی از جمعیت این کشور است. حدود ۵۷ درصد از نیروی کار هند در بخش زمین و کشاورزی مشغولند، یعنی ۱۶۶ میلیون نفر که عموماً هم در زمین‌های کوچک و محلی کار می‌کنند. این به سبب اهمیت رشد و عرضه‌ی محصولات کشاورزی در مسائل سیاسی طی دهه‌ها و سرمایه‌گذاری مبالغ بسیار در این شاخه بوده است. با وجود این که هند در تأمین مواد غذایی خود کفایت، خود کشاورزان اوضاع معیشتی بسیار مشقت‌باری دارند. مطابق با داده‌ها حدود یک‌چهارم مسأله‌ی عدم دسترسی به مواد غذایی و گرسنگی در جهان مربوط به آمار هند است. فقر و گرسنگی در هند چنان است که نزدیک به ۳۰۰ هزار مورد خودکشی کشاورزان بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ گزارش شده است. آمار مربوط به سال ۲۰۱۹ تأییدکننده‌ی حدود ۲۸ مورد خودکشی کشاورزان در روز است. این اقدام کشاورزان که از دهه‌ی ۱۹۷۰ شایع شده است غالباً به دلیل ناتوانی آنها در بازپرداخت وام‌هایی است که از مالکان خصوصی زمین‌ها و بانک‌ها گرفته‌اند. ۲۲/۵ درصد از کشاورزان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. برخی دلایل برمی‌گردند به قحطی‌هایی که به سبب استعمار بر توده‌ی مردم این کشور تحمیل شد، سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی دولت، استثمار کشاورزان توسط صاحبان زمین که هنوز منش و روابط فئودالی را حفظ کرده‌اند و همچنین تغییرات آب و هوایی. انقلاب سبز تحولاتی در این زمینه ایجاد کرد اما چنان که گفتیم خودش بعدتر مشکلاتی به بار آورد. نخست وزیر مودی نیز مانند بسیاری دیگر از سیاست‌مداران عصر خود، تنها کمر همت به اجرای سیاست‌های نئولیبرالی بسته بود. سیاست‌هایی که در کلام بسیار خوب به نظر می‌آیند، مثل آزادسازی، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و غیره. اما در عمل تهاجم‌هایی هستند به نیروی کار، از سوی سرمایه.

در واقع پیش‌نویس و تدوین لایحه‌های مربوط به قانون کشاورزی زمانی در دستور کار قرار گرفت که مشخص شد بسیاری از تعدیل‌های ساختاری و اصلاحات پیشنهاد شده (در واقع تحمیل شده) توسط ایالات متحده آن طور که باید و شاید اجرا نشده است.

آگوست ۲۰۲۰. هند دچار رکود شد

در ماه آگوست اقتصاددانان اعلام کردند که کشور هند وارد بزرگ‌ترین رکود تاریخ اخیر شده است. آنها بیشتر تقصیر را به گردن پاندمی کووید انداختند، اما کشاورزان که نتوانسته بودند محصولاتشان را در بازارهای عمده‌فروشی که دولت تعطیل کرده بود بفروشند سرآسیمه شدند. آنها احساس می‌کردند که شغل‌های کنونی شان در خطر است و با توجه به اوضاع رکود اقتصادی، دیگر شغل جایگزینی هم برایشان وجود ندارد.

تغییر سیاست‌های دولت هند به سوی مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی (که گفتیم با نام نئولیبرالیسم می‌شناسیم) از دهه‌ی ۱۹۹۰ بیشترین ضربه را به کشاورزان هند زده است. آنها را بدون حمایت‌های پیشین دولتی رها کرده است. آنها نه تنها باید تمامی مسئولیت نگاه‌داری مزرعه را خودشان به عهده بگیرند، بلکه بازار فروش کالا را نیز خودشان باید بیابند. در نتیجه، این قوانین مطابق با بازار آزاد، به هیچ روی سبب راحتی کارگران زمین نشد. در صورتی که کمپانی‌های بزرگ قیمت‌ها را تعیین کنند، بسیاری از آنها زمین و کارشان را از دست می‌دهند. (در نظر داشته باشد که بسیاری از شغل‌هایی که این کارگران می‌توانند در صورت از دست دادن زمین‌هایشان به آنها مشغول شوند، پیش‌تر از بین رفته است).

آگوست ۲۰۲۰. اعتراضات در چندین ایالت آغاز شد

اعتراضات بر علیه لوایح جدید مربوط به کشاورزی که توسط نخست وزیر مودی ارائه شده‌اند در ایالت‌هایی از جمله پنجاب و هریانا، پیش از تصویب آنها آغاز شد. این لایحه‌ها که به قوانین مزرعه معروف شدند توسط بسیاری از اتحادیه‌های کشاورزی قوانینی علیه کشاورزان ارزیابی شدند. بسیاری از مخالفان نیز بر این باور بودند که این قوانین کشاورزان را در خدمت شرکت‌های بزرگ قرار می‌دهد. همچنین کشاورزان خواستار وضع حداقل قیمت حمایتی^۱ بودند تا تضمین شود که شرکت‌های بزرگ نمی‌توانند قیمت‌ها را کنترل کنند. هرچند ادعای ارائه‌دهندگان لایحه این بود که هدفشان آن است که کشاورزان بتوانند به راحتی محصولات خود را به خریداران بزرگ بفروشند و اعتراضات به دلیل عدم اطلاع صحیح آنان است. لایحه‌ها به سه موضوع عمده مربوط می‌شد: ۱. قانون ترویج و تسهیل تجارت محصولات کشاورزی (آزادگذاری مکان خرید و فروش محصولات) ۲. قانون قیمت‌گذاری خدمات کشاورزی (مبتنی بر نوشتن قرارداد بین دو طرف) ۳. اصلاحیه‌ی قانون کالاهای اساسی (که مطابق با این حد احتکار باید برداشته شود تا دولت بتواند در زمان‌های بحرانی کالاهای مشخصی را تنظیم کند)

در ظاهر، لایحه‌های پیشنهادی چندان هم بد به نظر نمی‌رسند؛ حذف مالیات‌ها و سایر بارهای مالی که از سوی دولت بر کشاورزان تحمیل شده است. از این پس کشاورزان می‌توانند به طور مستقیم محصولاتشان را به شرکت‌ها بفروشند و نیز

¹ Minimum Support Price (MSP)

سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی را تشویق کنند. دیگر به راحتی کشاورزان می‌توانند به بازارهای بزرگ‌تر دسترسی داشته باشند. اما واقع امر به این سادگی‌ها نیست، مانند تمامی اصلاحات نئولیبرال که دولت‌ها انجام می‌دهند. آن موانع تجاری به ظاهر سختی که دولت می‌خواهد حذفشان کند، در حقیقت به کشاورزان یاری رسانده است تا بتوانند همواره به بازار فروش و توزیع محصولاتشان دسترسی داشته باشند، قیمت‌ها را در سطحی عادلانه نگه داشته است و همچنین از بهره‌کشی شرکت‌های بزرگ کشاورزی از کشاورزان کوچک جلوگیری کرده است. کار مهمی که لایحه‌ها به انجام می‌رسانند، قطع حمایت‌های ناچیزی است که هنوز برای کشاورزان باقی مانده است. با از بین رفتن اینها (از جمله بازارهای تضمین‌شده دولتی و چارچوب‌های تعیین حداقل قیمت کالاها) دیگر شرکت‌های کلان سهمی از بازار را برای کشاورزان باقی نمی‌گذارند.

سازمان‌دهندگان اعتصاب

سازمان‌دهنده اصلی این اعتراضات، اتحادیه‌ی کشاورزان سراسر هند^۲ (در واقع کمیته‌ی هماهنگی نبرد از نهادهای وابسته به این اتحادیه^۳) بود. سازمانی که همچنین اعتراضات بعدی دهلی را نیز ترتیب داد. این اتحادیه یکی از بازوهای حزب کمونیست (مارکسیست)^۴ هند در بخش کشاورزی است و در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ اعتراض‌هایی بزرگ را از سوی کشاورزان سازمان داده است. کمیته‌ی هماهنگی نبرد در سازمان دادن تظاهرات بزرگ مقیاس برای مسأله‌ی کشاورزان بسیار کامیاب بوده است (برای نمونه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸). این کمیته که در سال ۲۰۱۴ تأسیس شد در واقع از به هم پیوستن بیش از ۲۵۰ سازمان تشکیل می‌شود که شاید در تمامی موارد با هم اشتراک نداشته باشند. اما بر سر مسائلی مشخص با هم متحد شده‌اند. مسائلی حول دو دستور کار مشخص؛ قیمت تضمینی پرفایده و رهایی از بدهی. در این اتحاد سازمان‌هایی مربوط به کارگران، دانشجویان، زنان و حتی وکلای نیز حضور دارند.

اتحادیه‌ی سراسری کشاورزان هند، جنبش دهقانی مهمی در هند است در سال ۱۹۳۶ شکل گرفت. پیش‌تر در سال ۱۹۲۹ اتحادیه‌ی کشاورزان حومه‌ی بیهار برای بسیج کردن دهقانان معترض بر علیه تهاجمات زمین‌داری به حقوق تصرف آنها شکل گرفته بود و به همین ترتیب نخستین جرقه‌های جنبش کشاورزان در هند زده شد. به تدریج جنبش دهقانی در سراسر هند گسترش یافت و شدت گرفت. این پیش‌روی‌های اساسی تجمیع و اتحادیه‌ی سراسری کشاورزان هند تأسیس شد. این اتحادیه مانیفست خود را در همان سال منتشر کرد و در آن بر مطالبه‌ی از بین رفتن زمین‌داری و لغو تمامی بدهی‌های پیشین روستایی‌ها تأکید شد. زمین‌داری نوعی نظام مالکیتی و حکمرانی در هند بود که مطابق با آن هم منطقه یک زمین‌دار داشت که

^۲ all india kisan sabha

^۳ all india kisan sangharsh coordination committee

^۴ CPIM

حاکم نیمه خودمختار آن منطقه بود. آنها تحت فرمان امپراطور هند بودند و عمده‌ی زمین منطقه در مالکیت آنها بود. بر دهقانان حکمرانی می‌کردند و حق جمع‌آوری مالیات را داشتند. در زمان حاکمیت استعماری بریتانیا بر هند به این زمین‌داران عناوین سلطنتی از قبیل مهاراجه (شاه بزرگ) و راجه (شاه) و نواب اعطا می‌شد.

در سال ۱۹۳۷ اتحادیه، پرچم سرخ را به عنوان بیرق خود انتخاب کرد. خیلی زود رهبران آن از کنگره ناامید شدند و با آن به مقابله برخاستند. طی سال‌های بعد سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها هر چه بیشتر در این اتحادیه محبوبیت یافتند و بر آن نفوذ داشتند. حزب کمونیست هند که در جولای سال ۱۹۴۲ قانونی شده بود، در ماه مارس همان سال متصدی اتحادیه شد.

سپتامبر ۲۰۲۰. تصویب قانون تجارت و کمیسیون محصولات کشاورزی

نخست وزیر مودی در ماه سپتامبر لوایح را تصویب کرد. مطابق با این قانون کشاورزان آزادند که محصولات خود را به هر بازاری که می‌خواهند و با هر قیمتی که می‌خواهند بفروشند. اما کشاورزان با آن مخالفند و مدعی هستند که در واقع آسیب‌پذیرتر می‌شوند. چرا که این قانون دست شرکت‌های بزرگ را باز می‌گذارد تا هزینه‌ی محصولاتی را پایین بیاورند. این قانون بدون هیچ‌گونه مشارکتی از سوی جامعه‌ی کشاورزی هند تدوین شد.

دامنه‌ی اعتراضات در حال گسترش بود تا فراخوان اعتصاب عمومی مطرح شود. در همین زمان هم اعتصاب‌های پنجاب توانسته بود خطوط آهن را مختل کند و هیچ قطاری به آنجا وارد و از آنجا خارج نشود. کشاورزان و اتحادیه‌های تصمیم گرفتند که اعتراضات را یک راست به پایتخت روانه کنند.

اوایل نوامبر ۲۰۲۰. کشاورزان زمین‌هایشان را آتش زدند.

پیش از آن که «راهپیمایی‌ها به سوی دهلی» آغاز شود، کشاورزان سراسر کشور خشم خود را بر علیه قوانین جدید با آتش زدن زمین‌هایشان نشان دادند. معمولاً کشاورزان هرگونه بقایای محصول را پاک‌سازی می‌کنند. اما این بار در واکنش به لایحه‌ی جدید، همچنین قانون دیگری که کشاورزان را برای هرگونه آلودگی تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد، تصمیم گرفتند که باقیمانده را بسوزانند.

۲۳ نوامبر ۲۰۲۰. معترضان به سوی دهلی راهپیمایی کردند.

طی هفته‌ی منتهی به ۲۳ نوامبر، معترضان که حدود ده‌ها هزار نفر بودند از سراسر کشور به سوی پایتخت کشور روانه شدند. آنها روز ۲۶ نوامبر به شهر نزدیک شدند و با گروه‌های بزرگ پلیس روبه‌رو شدند که با گاز اشک‌آور، آب‌پاش، و ضرب و شتم از آنها استقبال کردند تا مانع ورودشان به شهر شوند. اما معترضان که تجهیزات و امکانات لازم برای اسکان در کنار بزرگراه‌ها

و بیرون از شهر را با خود آورده بودند، پس نشستند. کمپ‌ها و آشپزخانه‌هایشان را بر پا کردند و در حومه‌ی پایتخت ماندند. آنها حتی غذای نیروی پلیس را هم تأمین کردند!

۲۶ نوامبر ۲۰۲۰. بزرگ‌ترین اعتصاب جهان

در این روز، ۲۵۰ میلیون کارگر از صنایع مختلف (از بانکداری تا حمل و نقل، سرویس‌های مخابراتی، تولید نفت و گاز طبیعی) اعتصابی را آغاز کردند که به باور بسیاری عظیم‌ترین اعتصاب تمامی تاریخ بود. میلیون‌ها نفر در همبستگی با کشاورزان ایستادند، همچنین بر علیه برجیده شدن قوانین حمایتی کار و عدم افزایش حداقل دستمزد. ده اتحادیه‌ی کارگری چپ‌گرا از سراسر کشور این اعتصاب را تدارک دیدند و احزاب چپ هند از جمله حزب کمونیست و حزب کمونیست (مارکسیست) آن از پشتیبانان اصلی اعتصاب بودند.

مطالبات اصلی این اعتصاب که در حمایت و هماهنگی با راهپیمایی کشاورزان به سوی دهلی ترتیب داده شده بود به این قرارند: ۱. پرداخت وجه نقد مستقیم به خانواده‌هایی با درآمد کمتر از حداقل معاش ۲. تأمین جیره‌ی رایگان ۱۰ کیلو غلات، برای هر نفر در ماه ۳. گسترش قانون مهاتما گاندی برای تضمین اشتغال در مناطق روستایی و افزایش دستمزد و اعمال این قانون برای مناطق شهری ۴. کنارگذاشتن قوانین ضد کارگری و اصلاحات آزادسازی کشاورزی که معترضان آنها را قوانینی علیه خودشان می‌دانستند ۵. توقف خصوصی‌سازی شرکت‌های بخش عمومی، شامل شرکت‌های مربوط به بخش مالی. توقف شرکتی‌سازی و نیز خصوصی‌سازی ساخت و سازهای دولتی و خدماتی از قبیل راه‌سازی، راه‌آهن، بندرها و غیره. ۶. کنار گذاشتن سیاست تحمیل بازنشستگی دوره‌ای به کارکنان بخش دولتی و عمومی ۷. تأمین حقوق بازنشستگی برای همه.

۲۷ نوامبر ۲۰۲۰. معترضان به شهر وارد شدند

روز بعد دولت اعلام کرد که در نهایت معترضان می‌توانند با آرامش وارد شهر دهلی شوند. آنها که در ابتدا محدود شده بودند به برگزاری تظاهرات در مکانی مشخص که پلیس نیز آن را رصد می‌کند، به سرعت در تمامی شهر پخش شدند و خیابان‌ها و بزرگراه‌ها را تصرف کردند.

اول دسامبر ۲۰۲۰. نشست مقامات رسمی با رهبران اعتراضات

این نخستین نشست بین دو طرف بود. بعدتر، در روزهای سوم و پنجم دسامبر هم نشست‌هایی برگزار شد اما هیچ نتیجه‌ای در پی نداشت.

۸ دسامبر ۲۰۲۰. اعتصاب بخش‌هایی از کشور را به تمامی تعطیل کرد

اوج مبارزه زمانی بود که هزاران نفر از معترضان موفق شدند که حمل و نقل عمومی، مغازه‌ها و بازارها در سراسر کشور تعطیل کنند. ۴۵۰ اتحادیه‌ی کشاورزی و سازمان‌هایی که ترتیب‌دهنده و یا پشتیبان این اعتصاب بودند تأکید کردند که هدف ما مختل کردن زندگی شهروندان عادی نیست، اما می‌خواهیم که به دولت فشار بیاوریم تا سریع‌تر پاسخ ما را بدهد.

۸ دسامبر ۲۰۲۰. دولت رهبران اعتصاب را بازداشت کرد

این بازداشت‌ها به دستور مستقیم نخست وزیر مودی انجام شد. در این واقعه بسیاری از سران اتحادیه‌ها و حتی وزیر ارشد دهلی که با لایحه مخالف بود نیز دستگیر شدند و پلیس از پیوستن آنها به اعتراضات جلوگیری کرد.

۲۶ ژانویه ۲۰۲۱. گردهمایی بزرگ تراکتورها

با وجود برگزاری حدود ۱۱ مذاکره و نشست، دولت مودی از عقب‌نشینی از سه قانون مربوط به کشاورزان سر باز زد. معترضان که ماه‌ها به اعتراض نشسته بودند با گاز اشک‌آور و خشونت پلیس مواجه می‌شدند، به ویژه طی گردهمایی بزرگ تراکتورها که در روز استقلال هند برگزار شد. همچنین راهپیمایی‌های کشاورزان معترض در سراسر کشور در این روز از سر گرفته شد. خشونت پلیس در این روز بسیار شدت گرفت. یک کشاورز معترض با شلیک پلیس کشته شد.

۳۰ ژانویه ۲۰۲۰. قطع کامل اینترنت

به سبب تداوم اعتراضات، خدمات اینترنت در برخی از نقاط دهلی نو قطع شد. مقامات اعلام کردند این تصمیم برای برقراری امنیت عمومی است اما رهبران اعتراض می‌گفتند که این کار وحشت عمومی را افزایش داده است.

۱۹ نوامبر ۲۰۲۱. لغو قوانین

در این روز دولت محلی تصمیم به لغو قوانین گرفت و هر دو پارلمان لایحه‌ی لغو قوانین کشاورزی را در روز ۲۹ نوامبر تصویب کردند. در پی اعلام این تصمیم، اتحادیه‌های کارگری بر مطالبه‌ی تضمین حداقل قیمت‌های حمایتی پافشاری کردند و هدف‌گذاری دولت را برای دو برابر کردن درآمد کشاورزان تا سال ۲۰۲۲ یادآور شدند. پس از تصویب لغو قوانین، کشاورزان در سراسر کشور پایکوبی کردند، بلوک‌ها را از خیابان‌ها برداشتند، خانه‌های موقت و آشپزخانه‌هایی که این ماه‌ها محل اسکان و تأمین غذای معترضان بود را از حاشیه‌ی بزرگراه‌ها جمع کردند و سرانجام به خانه‌هایشان بازگشتند.